



روابط گرجستان و جمهوری آذربایجان به کدام سو می رود؟

در ماه های اخیر مشکلات و تنش های متفاوتی در روابط میان گرجستان و جمهوری آذربایجان ایجاد شده و آینده همکاری های میان دو کشور را با سوالاتی روبرو کرده است.

به گزارش آران نیوز: به نقل از گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، ایراکلی کوباخیدزه رئیس پارلمان گرجستان در تاریخ 20 ژوئن به باکو سفر کرد. وی در دیدار با اوگتای اسدوف همتای آذربایجانی خود خاطر نشان کرد که باکو نیز هم چون تفلیس از جدایی طلبی و از دست دادن اراضی خود رنج می برد؛ عواملی که از پیشرفت سیاسی و اقتصادی این دو کشور ممانعت به عمل می آورد وگرنه تفلیس و باکو می توانستند سریع تر توسعه پیدا کنند. با این حال روسیه به عنوان مسئول یا حداقل حامی وضعیت موجود در منطقه که می توان آن را به منازعه سرد تعبیر کرد، نمی تواند آشتی های موجود در روابط فعلی جمهوری آذربایجان و گرجستان را نادیده بگیرد.

با وجود گذشته همکاری های موفق و پایدار میان گرجستان و جمهوری آذربایجان بر اساس منافع ملی و وابستگی متقابل، اما اخیرا مسائل و مشکلات میان تفلیس و باکو گسترش پیدا کرده است. ریشه این مسائل و آسیب هایی که بر همکاری میان دو کشور وارد خواهد کرد هرگز مورد موشکافی قرار نگرفت و اکنون دو کشور می بینند که آن مشکلات در حال خدشه وارد کردن بر روابطشان هستند. یکی از مسائل اصلی که سبب تنش در روابط دو کشور گردیده است، تنش ها و اختلافات پیرامون منطقه تاریخی و مجموعه کلیساهای واقع در مرز مشترک دو کشور موسوم به کشیکچیداغ یا داویت گارجا است. در اوایل سال جاری میلادی نیز ساخت و نصب تندیس یک سرباز ارمنی که در جنگ قره باغ کشته شده بود و از نظر ارمنی ها یک قهرمان جنگی به حساب می آید در یک روستای ارمنی نشین در گرجستان با اعتراضات شدیدی از سوی باکو مواجه شد. از سویی نیز گرجستان از اینکه در مذاکرات میان آذربایجان و ترکیه با روسیه پیرامون خط آهن باکو - تفلیس - کارس کنار گذاشته شده است، به شدت ابراز انزجار کرد. به طور هم زمان نیز قصد تفلیس برای راه اندازی یک کریدور ترانزیتی که روسیه را به ارمنستان متصل می کند با واکنش باکو مواجه شد. چنین اختلافاتی نه تنها باعث افزایش تنش و بی اعتمادی میان گرجستان و جمهوری آذربایجان می شود بلکه باعث خوشنودی طرف های ثالث نیز می شود.

جمهوری آذربایجان مدعی نقش رهبری در منطقه قفقاز جنوبی است و در نتیجه فکر می کند دیگر بازیگران منطقه ای و جهانی به دنبال باکو برای حل و فصل مشکلات دوجانبه با گرجستان هستند. اما مشکلات اخیر نشان داده است که جمهوری آذربایجان نمی تواند صرفا با تکیه بر پروژه های مشترک در حوزه های انرژی و زیرساختی روابط دوجانبه خود را تقویت کند. مشخص شده است که قدرت نرم آذربایجان به واسطه پروژه های اجتماعی شرکت دولتی نفت این کشور در گرجستان و هم چنین حضور دیاسپورای آذری در گرجستان به تنهایی توان تاثیرگذاری بر تفلیس را ندارد.

در سیاست های منطقه ای آذربایجان، جامعه گرجستان عمدتا نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال پیش بینی نمی شد که اختلافات دو کشور در مورد منطقه تاریخی و کلیساهای کشیکچیداغ با واکنش احساسی مردم گرجستان روبرو شده و باعث ایجاد بحران در مرز دو کشور شود. طرف گرجستانی نیز درباره رویکرد باکو به این منطقه تاریخی دچار اشتباه بود و پیش فرض این بود که آذربایجان به دنبال استفاده مشترک از این سایت تاریخی است.

در روز 28 مه در حالیکه جمهوری آذربایجان خود را آماده برگزاری روز جمهوریت به عنوان یکی از مهمترین تعطیلات ملی خود و نیز برگزاری فینال لیگ اروپا در تاریخ 29 مه می کرد، در اطراف منطقه داویت گارجا که در جمهوری آذربایجان کشیکچی داغ نامیده می شود درگیری ها و تنش های جدیدی اتفاق افتاد. هزاران نفر از معتقدان کلیسای ارتدوکس گرجستان به سمت معابد و کلیساهای منطقه باستانی داویت گارجا که در منطقه مرزی میان جمهوری آذربایجان و گرجستان واقع است حرکت کردند. در این حرکت اعتراضی، گروهی از کشیش های منطقه مارتولی گرجستان در بزرگراه اصلی ورود به جمهوری آذربایجان تجمع اعتراضی برگزار کرده و با بستن «قیرمیزی کوپرو»، باعث ترافیک شدید اتومبیل ها در مرز ورودی دو کشور شدند. این کشیشان با شعار «داویت گارجا (معابد کشیکچی داغ) متعلق به گرجستان است» از مسئولان گرجی خواستند که با جمهوری آذربایجان برخورد سرسختانه داشته باشند و مشکلات ورود مردم گرجستان به معابد کشیکچی داغ را حل کنند. سه هزار معترض گرجی از مرز جمهوری آذربایجان و گرجستان عبور کردند و به دور صومعه های اودابنو و چیچختوری یک زنجیره انسانی تشکیل دادند. طرف آذربایجانی نیز خویشتنداری پیشه کرده و با طرف گرجستانی موافقت کردند تا برخوردی با معترضان نکنند. در نزدیکی صومعه چیچختوری معترضان گرجی پرچم ملی گرجستان را که منقش به صلیب سنت جورج و بسیار شبیه به پرچمی است که در جنگهای صلیبی مورد استفاده قرار میگرفت همراه خود به اهتزاز درآوردند. در نهایت معترضان به خاک گرجستان بازگشته و این تظاهرات به صورت مسالمت آمیز به پایان رسید.

افزایش تنش های مرزی میان دو کشور با واکنش تند و احساسی برخی سیاستمداران ملی گرای گرجستانی روبرو شد و اعمال و اظهارات آنها باعث تحریک افکار عمومی در هر دو کشور شد. به عنوان مثال شالوا ناتلاشویلی رهبر حزب کارگر گرجستان با همراهی رسانه ها از این منطقه بازدید کرده و آذربایجانی ها را مردمی وحشی از آسیای مرکزی و غیرمتدمن نامید. ایراکلی اکرواشویلی وزیر دفاع سابق گرجستان نیز در یادداشتی به دیدار خود با همتای آذربایجانی اش در سال 2005 اشاره و با افتخار اعلام کرد که در آن دیدار چگونه وی را با اخراج 500 هزار آذری که در گرجستان زندگی می کنند تهدید کرده است. در پاسخ به این اقدامات، میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور سابق گرجستان پیشنهاد کرد که میان تفلیس و باکو میانجیگری کند. وی اظهار داشت که پیش از روی کارآمدن دولت فعلی در گرجستان شاهد تنش و درگیری در مرز دو کشور نبودیم. جمهوری آذربایجان به علت تعلق این معابد به دوره تاریخی آلبانیای قفقاز، آن منطقه را متعلق به خود می داند و در مقابل گرجستان نیز ادعای ارضی در مورد این منطقه دارد و آن معابد را به لحاظ تعلق به گرجی های مسیحی مهم می داند.

این تحولات اخیر موجب گسترش فضای اسلام هراسانه و ضد آذربایجانی در گرجستان و ترس و وحشت مردم درباره وابستگی بیش از حد این کشور به باکو و آنکارا شده است. این نگرانی ها و اعتقاد سنتی در مورد تبعیض واقع شدن گرجستان از سوی همسایگان مسلماننش خصوصا طی حوادث اخیر و پس از مسدود شدن مرز از سوی باکو در روز عید پاک مسیحی تقویت شده است. خصوصا که آنکارا و باکو در تصمیمی غیر معمول از دعوت مقامات گرجستان برای شرکت در نشست امضای تفاهتنامه همکاری و مشارکت روسیه در خط آهن باکو-تفلیس-کارس خودداری کردند. ماموکا باختادزه نخست وزیر گرجستان یکی از سه شرکای اصلی خط آهن باکو-تفلیس-آنکارا از امضای این یادداشت همکاری انتقاد کرد. وی با توجه به توافق بین المللی بین گرجستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه معتقد است که مشارکت طرف های دیگر در پروژه خط آهن باکو-تفلیس-آنکارا نیازمند جلب رضایت همه طرف ها است.

باکو می تواند از اقدامات اخیر گرجستان در توسعه دو بندر پوتی و آناکلیا در سواحل دریای سیاه درس بگیرد. در عین حال به نظر می رسد که گرجستان به دنبال ایفای نقشی برجسته تر از خط لوله انتقال گاز طبیعی ترانس خزر باشد. این خط لوله، گاز آذربایجان در دریای خزر را از مسیر گرجستان به ترکیه و سپس اروپا ارسال خواهد کرد. گرجستان و

جمهوری آذربایجان هر دو کشورهایی ترانزیتی هستند اما گرجستان در موقعیت بهتری برای استفاده از ارزش افزوده ناشی از حمل و نقل کالاها قرار دارد. گرجستان عضو سازمان تجارت جهانی است و توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا و چین را امضا کرده است. از این رو گرجستان می تواند بخش تولیدی خود را با استفاده از قطعات چینی توسعه دهد و سپس این محصولات تولیدی را به اسم خود به اتحادیه اروپا صادر کند. پروژه خط لوله انتقال گاز ترانس خزر و هم چنین دو پروژه ساخت بندر عمیق دریایی پوتی و آناکلیا باعث افزایش اهمیت ژئواکونومی گرجستان در فراهم کردن شرایط ارزان تر در حمل و نقل و ترانزیت کالا می شود. در مقابل جمهوری آذربایجان از چنین فرصت هایی برخوردار نیست. چرا که مذاکرات پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی به شدت طولانی شده و هنوز بخش انرژی بیش از 90 درصد از صادرات این کشور را تشکیل می دهد. از سویی نیز جمهوری آذربایجان تا به حال موفق به برقراری ارتباط با سایر بخش های جامعه گرجستانی نشده و منتظر پایان دولت فعلی در تفلیس است. باکو امیدوار بود که میخائیل ساکاشویلی یا یکی از چهره های نزدیک به وی به ریاست جمهوری گرجستان برسد. چرا که از نظر باکو دوران ساکاشویلی عصر طلایی روابط میان دو کشور بود. اما رهبران فعلی در تفلیس هر روز بیش از گذشته به دنبال سوق دادن سیستم سیاسی به سمت تقابل با آذربایجان هستند.

رویکرد گرجستان به روابط با جمهوری آذربایجان روشن است؛ تفلیس می خواهد همکاری استراتژیک با باکو را حفظ کند در حالی که همزمان وابستگی بیش از حد خود به جمهوری آذربایجان را کاهش دهد. طبیعی است که یک کشور به دنبال کاهش وابستگی خود به قدرت های دیگر باشد و این دقیقا همان کاری است که باکو به دنبال آن است. به همین دلیل مشاور سیاست خارجی رئیس جمهور آذربایجان در سخنانی در شورای آتلانتیک در واشنگتن در ماه گذشته اعلام کرد که این کشور به دنبال پیگیری سیاست چندجانبه گرایی، چند منطقه ای و چند فرهنگی در حوزه روابط خارجی خود است.

جمهوری آذربایجان نتوانسته دیدگاه هیا راهبردی خود در قبال گرجستان را به روز کند. به نظر می رسد سیاست گذاران و مقامات باکو بیش از حد به همکاری دوجانبه موجود متکی هستند و از این رو در مواجهه با مسائل مشکل ساز به طور صحیح و مناسب برخورد نمی کنند. یکی از دلایل احتمالی این عدم تجزیه و تحلیل، ناشی از متخصصان و مراکز فکری آذربایجان است. به دلایل مختلف، کارشناسان آذربایجان جزئیات و داده های فراوانی درباره گرجستان را در اختیار دارند. با این حال، نمی توانند این داده ها به اطلاعات درست جهت سیاست گذاری تبدیل کنند.

باکو به شدت به پروژه های ترانزیت و انتقال انرژی و سرمایه گذاری های مرتبط با آن از سوی شرکت دولتی نفت آذربایجان در گرجستان به عنوان عامل تضمین همکاری های دوجانبه متکی است. اما تمایلی به تنوع بخشیدن به منابع همکاری ها و روابط خود با گرجستان ندارد. با این حال باید منتظر ماند که چه اتفاقاتی در روابط دو کشور ممکن است به وقوع بپیوندد.